

شناسایی و اجرای آرای قضایی ایران در دادگاههای ترکیه

نویسنده: امیرحمزه زینالی (ارهان)

مدیر موسسه خدمات حقوقی بین المللی ارهان در استانبول

مقدمه

باتوجه به جابجایی آسان انسان ها در عصر جهانی شدن ارتباطات و نزدیکی کشور ترکیه به ایران و امکان اقامت آسان در این کشور ، یکی از بزرگترین مشکلات ایرانیان اجرای آرای حقوقی داخلی نسبت به ایرانیان مقیم انجاست. این مشکل در پرتو نهاد شناسایی آرای قضایی داخلی در این کشور قابل حل است. شناسایی و اجرای آرای قضایی بیگانه در ترکیه، فرآیندی حقوقی است که تحت عنوان *Tenfiz* (اجرای حکم) شناخته می‌شود. برای آرای صادره از محاکم ایران، این موضوع نه تنها بر اساس قوانین داخلی ترکیه، بلکه بر پایه معاهدات دوجانبه مستحکم بین دو کشور استوار است. در ادامه، ابعاد حقوقی، چالش‌ها و رویه عملی این موضوع را بررسی می‌کنیم. تاکید می‌کنم که تمامی مراحل و شرایط زیر برای عملی شدن نیازمند استفاده از خدمات حقوقی وکیل دادگستری در کشور ترکیه می‌باشد و این مقاله صرفاً جهت آموزش و آشنایی با شرایط و مراحل نوشته شده است.

۱. مبناي قانونی: موافقت‌نامه همکاری حقوقی ایران و ترکیه

اصلی‌ترین سند در این زمینه، «موافقت‌نامه همکاری حقوقی و قضایی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه» (مصوب ۲۰۰۹/۱۳۸۸) است. طبق این معاهده: هر دو کشور متعهد شده‌اند آرای قطعی صادره در امور مدنی و بازرگانی طرف مقابل را شناسایی و اجرا کنند. وجود این موافقت‌نامه، شرط «تقابل» (*Mütekabiliyet*) را که در قانون ترکیه (*MÖHUK*) برای سایر کشورها الزامی است، برای اتباع ایرانی به طور پیش‌فرض حل کرده است.

بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی ترکیه، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که طبق آیین‌نامه مربوطه به اجرا درآمده‌اند، حکم قانون را دارند. حتی در صورت تعارض بین این معاهده و قوانین داخلی عادی ترکیه در مورد حقوق و آزادی‌های اساسی، مفاد معاهده بین‌المللی مقدم است. بنابراین، وکیل می‌تواند در دادگاه‌های ترکیه مستقیماً به مفاد این موافقت‌نامه (قانون ۵۹۳۹) استناد کند با وجود این امکان قانونی، قانون موافقت‌نامه ایران با جمهوری ترکیه راجع امور مدنی و کیفری در زمینه همکاری‌های حقوقی و قضایی (*Türkiye Cumhuriyeti ile İran İslam Cumhuriyeti Arasında Hukukî ve Cezai Konularda Adlî İşbirliği Anlaşması*). به

شماره ۵۹۳۹ (5939 Sayılı Kanun) در تاریخ ۰۳/۱۲/۲۰۰۹ (۱۲/۰۹/۱۳۸۸). در مجلس ترکیه تصویب و در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۹ در روزنامه رسمی ترکیه (Resmî Gazete) به شماره ۲۷۴۳۳ منتشر و از آن تاریخ برای تمامی محاکم ترکیه لازم‌الاجرا است فلذا این موافقت نامه به قانون داخلی ترکیه تبدیل شده است.

۲. شرایط اساسی برای شناسایی رای (Tenfiz Şartları)

برای تبیین دقیق شرایط اساسی شناسایی و اجرای رای (Tenfiz Şartları) در ترکیه، باید میان «قانون حقوق خصوصی بین‌الملل ترکیه (MÖHUK)» به شماره ۵۷۱۸ (و «رویه قضایی دیوان عالی کشور ترکیه» (Yargıtay) پیوند برقرار کرد. دیوان عالی ترکیه در سال‌های اخیر رویکردی بسیار شکلی و دقیق به این ماجرا داشته است.

در ادامه، ۵ شرط اصلی را با تکیه بر مواد قانونی و رویه قضایی بررسی می‌کنیم:

• وجود قرارداد تقابل یا معاهده دوجانبه (Mütekabiliyet)

طبق ماده ۵۰ و ۵۴ قانون MÖHUK، اولین شرط این است که بین دو کشور قرارداد همکاری وجود داشته باشد یا در عمل تقابل برقرار باشد.

استناد به قانون: با توجه به «قانون شماره ۵۹۳۹» (موافقت‌نامه ایران و ترکیه)، این شرط برای آرای ایرانی محرز است.

رویه دیوان عالی: دیوان عالی ترکیه در آرای خود (مانند رای شعبه ۲ حقوقی) تاکید دارد که وجود معاهده دوجانبه، قاضی را از تحقیق درباره تقابل معاف می‌کند، اما قاضی مکلف است بررسی کند که آیا موضوع رای در دامنه شمول آن معاهده هست یا خیر.

• قطعی بودن رای (Kararın Kesinleşmiş Olması)

رای دادگاههای ایرانی تنها زمانی در ترکیه قابل تنفیذ است که طبق قوانین کشور صادرکننده (ایران)، قطعی و لازم‌الاجرا شده باشد. این امر در ماده ۵۴ بند (a) قانون شماره ۵۹۳۹ بیان شده است.

رویه دیوان عالی: براساس رای های دیوان عالی صرفاً داشتن مهر «برابر با اصل» کافی نیست. دیوان عالی ترکیه (Yargıtay) در رویه ثابت خودبراین باور است که باید «گواهی قطعیت (Kesinleşme Şerhi)» که به

تایید کنسولگری رسیده باشد، ضمیمه شود. اگر رای در ایران قابل واخواهی یا تجدیدنظر باشد، دادگاه ترکیه قرار "توقف رسیدگی" صادر می‌کند تا تکلیف قطعیت در ایران روشن شود.

• عدم مخالفت با نظم عمومی ترکیه (Kamu Düzeni)

این چالش برانگیزترین بخش است. ماده ۵۴ بند (c) مقرر می‌دارد که رای نباید آشکارا با نظم عمومی ترکیه متضاد باشد.

تفسیر دیوان عالی: دیوان عالی ترکیه نظم عمومی را به دو بخش تقسیم می‌کند:

نظم عمومی شکلی: رعایت حق دفاع و ابلاغ صحیح.

نظم عمومی ماهوی: عدم تضاد با اصول بنیادین قانون اساسی و اخلاق حسنه ترکیه.

دیوان عالی در برخی پرونده‌های خانواده، احکامی که در آن زن از حقوق اولیه خود (مثل حق طلاق یا تقسیم دارایی) محروم شده باشد را به دلیل تضاد با نظم عمومی (اصول لایبسیته و تساوی حقوق) رد کرده است.

• رعایت حق دفاع و ابلاغ قانونی (Savunma Haklarının Korunması)

طبق ماده ۵۴ بند (ç)، اگر خواننده مدعی شود که به طور قانونی به دادرسی احضار نشده یا حق دفاع او تضییع شده، تنفیذ رد می‌شود.

دیوان عالی ترکیه در رای شماره ۱۴۵۸۲/۲۰۱۶ تأکید کرده است که اگر مدعی علیه (خواننده) مقیم ترکیه باشد، ابلاغ باید حتماً طبق «کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه» یا «قرارداد دوجانبه قضایی» از طریق وزارت امور خارجه و کنسولگری انجام شود.

اگر در ایران صرفاً به ابلاغ "ثنا" یا "نشر آگهی" اکتفا کرده باشید در حالی که خواننده در ترکیه آدرس مشخص داشته است، دیوان عالی ترکیه حکم تنفیذ را به دلیل "نقص ابلاغ" نقض خواهد کرد.

• عدم صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ترکیه (Münhasır Yetki)

رای نباید در موضوعاتی صادر شده باشد که قانون ترکیه آن‌ها را در صلاحیت انحصاری خود می‌داند. (ماده ۵۴ بند (b)).

مهم‌ترین مصداق این شرط، اموال غیرمنقول (املاک) است. دیوان عالی ترکیه به هیچ وجه حکمی از ایران را که مستقیماً بر مالکیت یک ملک در ترکیه اثر بگذارد (مثلاً انتقال ملک بابت مهریه)، تنفیذ نمی‌کند. در این موارد، رای ایران صرفاً می‌تواند به عنوان یک "دلیل" در یک دعوای جدید در ترکیه استفاده شود، اما مستقیماً تنفیذ نمی‌شود. بنابراین در چنین شرایطی بهتر است دعوای جدید در دادگاههای ترکیه مطرح شود.

۳. چالش‌های شناسایی آرای ایرانی در ترکیه

شناسایی و اجرای آرای قضایی ایران در ترکیه (Tenfiz)، علی‌رغم وجود معاهده دوجانبه، در مقام عمل با موانع سخت‌گیرانه‌ای در دادگاههای ترکیه و دیوان عالی این کشور (Yargıtay) روبرو است. رویه قضایی ترکیه نشان می‌دهد که قضات این کشور با وسواس زیادی انطباق رای با نظم عمومی و تشریفات دادرسی را بررسی می‌کنند. در ادامه، چالش‌های کلیدی را بر اساس قانون MÖHUK (قانون حقوق خصوصی بین‌الملل ترکیه) و رویه دیوان عالی (Yargıtay) دسته‌بندی کرده‌ام.

• چالش نظم عمومی (Kamu Düzeni)

طبق ماده ۵۴ قانون MÖHUK، رای بیگانه نباید مخالف نظم عمومی ترکیه باشد. دیوان عالی ترکیه در آرای متعددی تفسیر موسعی از نظم عمومی ارائه داده است:

تعدد زوجات و حقوق زنان: اگر رای صادر شود که ریشه در تعدد زوجات داشته باشد یا حقوق مکتسبه زن در نظام لاییک ترکیه را نقض کند، به استناد مخالفت با نظم عمومی رد می‌شود.

مهریه‌های غیرمتعارف: رویه قضایی برخی شعب دیوان عالی ترکیه نشان داده است که مبالغ بسیار سنگین مهریه که با توان مالی زوج همخوانی ندارد، گاهی به عنوان ابزاری برای فشار غیرقانونی تلقی شده و اجرای آن را با چالش مواجه می‌کنند.

حضانة: در پرونده‌های حضانة، دیوان عالی تأکید دارد که «مصلحت عالیة کودک (Çocuğun Üstün Yararı) معیار نظم عمومی است. اگر رای ایران صرفاً بر اساس قواعد جنسیتی صادر شده باشد و مصلحت کودک در آن لحاظ نشده باشد، تنفیذ نخواهد شد.

• چالش ابلاغ صحیح (Savunma Hakkı)

یکی از شایع‌ترین دلایل نقض احکام تنفیذ در دیوان عالی ترکیه، عدم رعایت ماده ۵۴ بند (ç) قانون MÖHUK است که بر حق دفاع تاکید دارد.

ابلاغ از طریق سامانه ثنا: رویه فعلی محاکم ترکیه نسبت به ابلاغ‌های الکترونیکی (ثنا) در صورتی که خواننده مقیم ترکیه باشد، بسیار سخت‌گیرانه است. دیوان عالی ترکیه معتقد است ابلاغ به فرد مقیم خارج، باید از طریق مجاری دیپلماتیک (کنسولی) یا طبق کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه صورت گیرد.

رای غیابی: اگر ثابت نشود که خواننده در ایران فرصت کافی برای دفاع داشته یا به صورت قانونی از جلسه دادرسی مطلع شده است، حکم در ترکیه «کاغذ پاره‌ای» بیش نخواهد بود.

• صلاحیت انحصاری (Münhasır Yetki)

ترکیه نسبت به اموال غیرمنقول (ملک) واقع در خاک خود، صلاحیت انحصاری دارد.

چالش: اگر یک دادگاه در ایران حکمی صادر کند که بخشی از آن مربوط به تقسیم ارث یا مالکیت ملکی در استانبول یا آنتالیا باشد، دادگاه ترکیه به استناد ماده ۵۴ بند (b) قانون MÖHUK، کل یا آن بخش از رای را که مربوط به ملک است تنفیذ نمی‌کند.

• قطعی بودن و اعتبار امر مختومه

رای ایران باید Kesinleşmiş (قطعی) باشد.

رویه قضایی: دیوان عالی ترکیه صرفاً وجود مهر «قطعی است» را کافی نمی‌داند. اگر رای در ایران قابل واخواهی یا اعتراض فوق‌العاده باشد، رویه قضایی ترکیه تمایل دارد تا پایان تمام مراحل در ایران، فرآیند تنفیذ را متوقف (Bekletici Mesele) کند.

• فقدان شفافیت در تقابل (Mütekabiliyet)

هرچند معاهده سال ۱۳۸۸ وجود دارد، اما دادگاه‌های ترکیه گاهی بررسی می‌کنند که آیا محاکم ایران نیز در عمل آرای صادره از ترکیه را به راحتی تنفیذ می‌کنند یا خیر. اگر وکیل طرف مقابل ثابت کند که ایران در موارد مشابه رای ترکیه را رد کرده است، دادگاه ترکیه ممکن است بر اساس «عمل متقابل» رای ایران را رد کند.

۴. اسناد مورد نیاز برای اقدام

برای طرح دعوی تنفیذ در ترکیه، مدارک زیر باید به صورت رسمی ترجمه و به تایید کنسولگری یا آپوستیل (در صورت لزوم) برسند:

اصل یا کپی برابر اصل حکم دادگاه ایران.

گواهی قطعیت حکم (صادره از شعبه صادرکننده رای).

گواهی ابلاغ (تاییدیه مبنی بر اینکه حکم به خوانده ابلاغ شده است).

وکالت‌نامه تنظیمی در دفترخانه (Noter) یا وکالت نامه داخلی با ترجمه رسمی مورد تأیید

۵. روش اقدام (گام به گام)

- **طرح دعوا:** ثبت دادخواست در دادگاه حقوقی نخستین (Asliye Hukuk) محل اقامت خوانده در ترکیه.
- **بررسی شکلی:** دادگاه ترکیه وارد ماهیت دعوا (Merit) نمی‌شود و فقط رعایت تشریفات قانونی را بررسی می‌کند.
- **صدور حکم تنفیذ:** در صورت تایید، حکم دادگاه ایران اعتبار حکم دادگاه ترکیه را پیدا کرده و توسط اداره اجرا (İcra Dairesi) قابل پیگیری است.

۶. منابع و مراجع مهم (References)

- موافقت‌نامه همکاری حقوقی و قضایی بین ایران و ترکیه (۱۳۸۸): متن مصوب مجلس شورای اسلامی و پارلمان ترکیه.
- Milletlerarası Özel Hukuk ve Usul Hukuku Hakkında Kanun (MÖHUK - No: 5718) قانون حقوق خصوصی بین‌الملل ترکیه (مواد ۵۰ تا ۵۹).
- İcra ve İflas Kanunu (İİK) قانون اجرا و ورشکستگی ترکیه برای مراحل پس از تنفیذ.
- کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد آیین دادرسی مدنی: که هر دو کشور عضو آن هستند.
- آرای دیوان عالی کشور ترکیه: (Yargıtay İçtihatları) در خصوص تفسیر "نظم عمومی" در قبال احکام دادگاه‌های ایران.
- کتاب "حقوق بین‌الملل خصوصی" نوشته دکتر بهشید ارفع‌نیا: برای تطبیق مباحث شناسایی احکام در حقوق ایران.